

هزار سال بُزی!

با قریانی زرین (بنیاد دایرة المعارف اسلامی)

یکی از آداب رایج در میان ما ایرانیان درخواست دیرزیستی برای آشنایان و دوستان است. دعای خیر «صد سال زنده باشی» و «صد سال به این سال‌ها» در جشن‌های تولد و دیدارهای نوروزی گفته می‌شود. این دعا پیشینه‌ای کهن دارد.

محمد بن جریر طبری (وفات: ۳۱۰)، در تفسیر آیه ۹۶ سوره بقره، جمله‌ای فارسی از صحابی معروف، ابن عباس (وفات: ۶۸)، نقل می‌کند و می‌گوید که اعاجم [= ایرانیان] به یکدیگر می‌گویند: «زه هزار سال». مبتدی نیز، در کشف الاسرار، همین روایت را بدون استناد به ابن عباس آورده است. ابن منظور نیز در لسان العرب نقل می‌کند که به پادشاهان عجم در مقام تحيیت گویند: «زه هزار سال».^۱

گفته‌این عباس در پاره‌ای از منابع با تحریف و تصحیف نقل شده است؛ در تفسیر تیان آمده است که قوم مجوس دوست می‌دارند هزار سال عمر کنند... و یکدیگر را چنین دعا می‌کنند که: «هزار سال بده»^۲ که، در این عبارت، «بده» تصحیف «بزه» است. ماتریدی سمرقندی (وفات: ۳۳۳)، در تفسیر خود، همین عبارت فارسی را، به صورت

۱) طبری، محمد بن جریر، جامع البيان في تفاسير القرآن (معروف به تفسیر طبری)، چاپ مصر، ج ۱، ص ۳۴۰.

۲) مبتدی، فضل الله، کشف الاسرار و عذة الابرار، به تصحیح علی اصغر حکمت، انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۸۵.

۳) ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار صادر، بیروت ۲۰۰۰، ج ۴، ص ۲۹۶، ذیل «حیا».

۴) طوسی، محمد بن حسن، البيان في تفاسير القرآن، چاپ بیروت، ج ۱، بی تا، ص ۳۵۹.

درست، «هزار سال بزه» آورده است.^۵

پروفسور آسموسن^۶، ایرانشناس دانمارکی، در مقاله‌ای^۷ به اثبات رسانده که واژه زه از بن مضارع زی مصدر زیستن ساخته شده است. افزون بر آن، عبارت دعاوی مذکور را چند مفسر بزرگ ایرانی – ابوالفتوح رازی، زمخشri، نظام‌الدین نیشابوری – به صورت زی^۸ نقل کرده‌اند و طبرسی آن را به صورت بزی^۹ نقل کرده است.

در متون ادب فارسی نیز، بسیاری از سخن‌سرایان، برای مددوحان خویش چنین آرزویی کرده‌اند. از جمله، عنصری:

شاها هزار سال بده عزّ اندرون بزی^{۱۰}

و منوچهری دامغانی:

جز این دعات نگویم که رودکی گفتست هزار سال بزی، صد هزار سال بزی^{۱۱}

این امر، بهویژه در ایام نوروز، برای ایرانیان سنت گشته بود. زمخشri، طبرسی و نیشابوری نقل می‌کنند که ایرانیان خطاب به پادشاهان خویش دعا می‌کردند که عشّ الـف نیروز و الـف مهرجان^{۱۲} «هزار نوروز و هزار مهرگان بزی».

در اشعار عربی نیز، این مضمون را می‌یابیم که بیانگر تأثیر فرهنگ ایرانی و ادب فارسی در ادب عربی است. ثعالبی، ربیعیه (بهاریه)‌ای از شاعری در بغداد به نام

(۵) ماتریدی سمرقندی، محمد بن محمد، تفسیر الماتریدی (= تأویلات اهل‌السته)، تحقیق ابراهیم عوضین و السید عوضین، المجلس الاعلى للشئون الاسلامية، قاهره ۱۹۷۱/۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۶۶.

(۶) Jes P. ASMUSSEN.

(۷) آسموسن، پس، ب، « فعل زیستن در فارسی بهودی»؛ ترجمه حمیده گرگ برافی، باد بهار، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۷۶، ص ۲۴۷-۲۵۵.

(۸) ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، رؤوف الجنان و رؤوف الجنان في تفسير القرآن (مشهور به تفسیر ابوالفتوح رازی)، به کوشش و تصحیح محمد جعفر باحقی و محمد مهدی ناصح، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۱؛ زمخشri، محمود بن عمر، الکتاب عن حقائق التزلیل، تصحیح مصطفی حسین احمد، دارالکتاب العربي، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۶۸؛ نیشابوری، نظام‌الدین حسن بن محمد، غائب القرآن و رغائب المترقبان (مشهور به تفسیر نیشابوری)، بهامش تفسیر طبری، ج ۱، ص ۳۴۱.

(۹) طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان في تفسیر القرآن، تحقیق هاشم رسولی محلاتی و فضل الله یزدی طباطبائی، دارالمعرفة، بیروت ۱۹۸۸/۱۴۰۸، ج ۱، ص ۳۲۳.

(۱۰) عنصری بلخی، ابوالقاسم حسن، دیوان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، کتابخانه سنتائی، تهران ۱۳۶۳، ص ۳۳۹، بیت ۳۲۲۶.

(۱۱) منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمد، دیوان، به کوشش محمد دبیر سیاقی، روزار، تهران ۱۳۷۰، ص ۱۲۹.

(۱۲) الکتاب، مجمع البیان و تفسیر نیشابوری، همان صفحات.

ابن المطرّز عبد الرحمن بن محمد نقل می‌کند که شاعر در آن برای ممدوح خود، زیستن در هزار نوروز و هزار مهرگان را با خوشی و سلامت آرزو کرده است.^{۱۳} البته هزار در این عبارت‌ها و صد در عبارت «صد سال زنده باشی» و نظایر آن بر کثرت دلالت می‌کند و از آن آرزوی عمر طولانی مراد است. به گفته ابوریحان بیرونی^{۱۴}، از زمانی که ایرانیان دیدند که بیوراسب (ضحاک) هزار سال عمر کرده است^{۱۵}، یکدیگر را به عبارت هزار سال بزی تحيّت گفتند.

خاقانی شروانی، در مدح خواجه همام الدین حاجب، گوید:

ما را گمان فتد که بمانی هزار سال معلوم صد هزار یقین در گمان ماست^{۱۶}
ابن منظور، در بیان این معنی که طلب بقا را می‌توان تحيّت و درود به شمار آورده،
می‌گوید: کسی که از گزند آفات در امان باشد باقی و پایدار است؛ از این رو یکی از صفات پروردگار باقی
است، چون هرگز نمی‌میرد.^{۱۷}

صاحب تاریخ سیستان وصفیتی را از طلحه بن عبدالله بن خلف خزاعی خطاب به پرسش
نقل می‌کند که در بخشی از آن آمده است: «وَ آن سخن که کسی گوید هزار سال تو را باقی باد
آن نه بر خطا گویند؛ بقاءِ مرد ذکر نیکوبی اوست». به گفتهٔ متبنی، ذکر الفتی عمره الثانی^{۱۸}
«یادکرد آدمی [به نیکی] عمر دوباره اوست».

مقاله را با بیتی از منوچهری دامغانی به پایان می‌برم:

هزار سال همیدون بزی به پیروزی به مردمی و به آزادگی و نیکخوی^{۲۰}



(۱۳) تعالیٰ نیشاپوری، عبد‌الملک، نسمة اليتيمة، تحقیق مفید محمد قمیحه، دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳، ص. ۷۵.

(۱۴) بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، الآثار الباقية عن الفرون الخالية، تحقیق زاخانی، هاراسوئیت، لیزیک ۱۹۲۳.

(۱۵) اعتقاد برخی آن است که او بیش از هزار سال زیست و مدت پادشاهی او هزار سال بود. ← فرهنگ اساطیری-حماسی ایران، ج ۱، ص ۱۵۳.

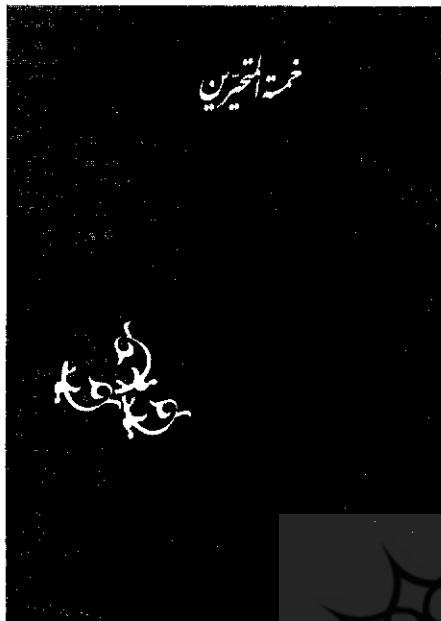
(۱۶) خاقانی شروانی، افضل الدین، دیوان، به تصحیح ضیاء الدین سجّادی، زوار، تهران ۱۳۶۸، ص ۸۱.

(۱۷) لسان العرب، ذیل «حیا».

(۱۸) تاریخ سیستان، به تصحیح ملک‌اشناعرا بهار، زوار، تهران، [ابن تا]، ص ۱۰۳.

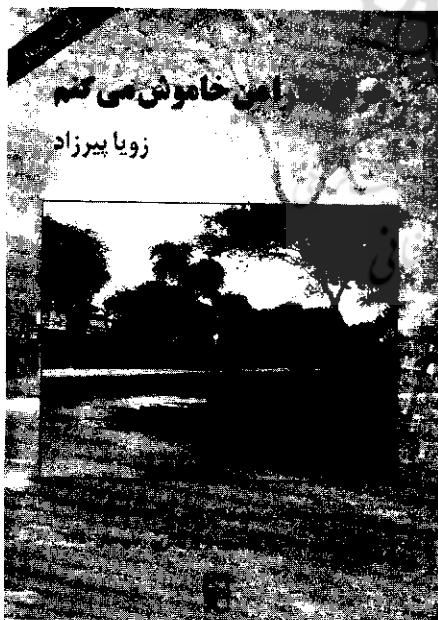
(۱۹) متبنی، ابوالطیب احمد، دیوان، به شرح عبد‌الرحمان برقوقی، دارالکتاب العربي، بیروت ۱۹۸۶/۱۴۰۷، ج ۳.

(۲۰) دیوان منوچهری دامغانی، ص ۱۴۵، بیت ۱۹۸۹.



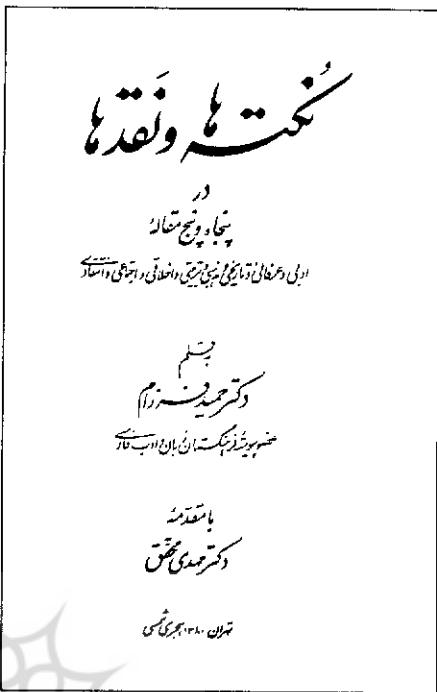
خدا و اخرين

کلیات
محدث



آنے ہاموش سی کھام

زویا پیرزاد



شکستہ کام و فتحہ

پنجا و پنج تعداد

بری و حفاظت مایعہ نبیتی، واحدی، راجحی و استاد

پیش
دکتر حیدر زادہ

محسوسہ شریعتی بانی ادب ماہ

پاسند
دکتر عصی حق

تولی دین برویشی



سایاض ملّج الدین احمد وزیر

۱۹۰۷ء

مکتبہ علمیہ

کراچی